



شورای کتاب کودک

لکنت زبان



کتاب‌های برگزیده، شایسته تقدیر و چهار ستاره

فهرست‌های ۱۳۶۰ - ۱۳۹۷

با شخصیت داستانی که لکنت زبان دارد

به مناسبت

« روز جهانی آگاهی نسبت به لکنت زبان »

۲۲ اکتبر ۲۰۱۹ برابر با ۳۰ مهر ۱۳۹۸



چهار ستاره



شایسته تقدیر



برگزیده





معرفی ویژه

پوراحمد، کیومرث. در آینه. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۶۰، آخرین چاپ ۲۰۱۳۹۵. ص. گروه سنی ۱۰-۱۴ سال

کلیدواژه: لکننت / کلاس / معلم ریاضی / خجالت / مدرسه

داستان زندگی پسری به اسم مسعود است که به دلیل داشتن لکننت زبان دچار چالش با اطرافیان است. نثر روان و خواندنی و بیان تصویری این هنرمند از یک روایت واقعی از دنیای نوجوانان سبب شده است تا این اثر ملموس و خواندنی باشد. از روی این کتاب فیلم هم ساخته شده است



خوب

نویسنده و تصویرگر: رحیمی زاده، پژمان، آرزوهای کوچک و ستاره‌های دنباله‌دار. تهران: با فرزندان، ۱۳۷۵، ص ۷-۹ سال

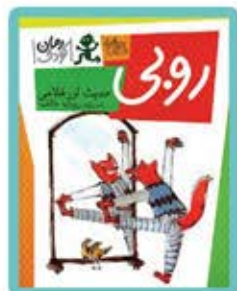
کلیدواژه: داستان حیوانات / کلاغ / لکننت / ستاره دنباله‌دار / روباه / اعتماد به نفس

کلاغ کوچکی که لکننت زبان داشت و در جمع کلاغ‌های دیگر نادیده گرفته می‌شود. او برای برآورده شدن آرزوهایش به دنبال ستاره دنباله‌دار است. کلاغ کوچولو ستاره را به دست می‌آورد اما گول روباهی را خورده و ستاره را از دست می‌دهد. اما دیگر غمگین نیست چون به خاطر به دست آوردن ستاره او در جنگل به عنوان بلند پروازترین پرنده شناخته می‌شود.





چهار ستاره



لزرغلامی، حدیث. **روبسی**. تصویرگر رودابه خائف؛ ویراستار مژگان کلهر. تهران: افق، کتاب های فندق، ۱۳۹۰. ۸۳ ص. ۱۰-۱۲ سال
کلیدواژه: داستان‌های حیوانات / ناپدری / خودمختاری / تمثیل‌ها / والدین ناتنی / رسانه‌های ارتباطی جدید / قدرت رسانه

روبسی، روباه نوجوانی که مایل است استقلال داشته باشد و مجبور نباشد با ناپدری خود زندگی کند، کاری در باغ وحش پیدا می‌کند. مادر آشفته می‌شود و در کشمکش با او دم روبسی کنده می‌شود و او دچار اختلال کلامی شده و همه چیز را سروته بیان می‌کند. در باغ وحش جوجه کلک که لکنت زبان و شم اقتصادی قوی دارد به او نزدیک می‌شود. پس از مدتی دم روبسی در می‌آید و صحبت کردن او طبیعی می‌شود ولی جوجه کلک به روبسی یاد می‌دهد که دمش را بکند تا همچنان محبوب بماند اما این بار با کنده شدن دم، روبسی دچار لکنت زبان می‌شود.

چهار ستاره

آلموند، دیوید. **قلب پنهان**. مترجم نسرین وکیلی؛ ویراستار فرزانه مطلبی. تهران: قطره، ۱۳۹۱. ۲۰۰ ص. ۱۳-۱۵ سال
کلیدواژه: داستان‌های انگلیسی / پسران / تفاوت‌های جسمی / لکنت زبان / رویاها / خواب / اعتماد به نفس / سیرک / بندبازی / دوستی / طبیعت

جو مالونی پسری است با چشمانی دو رنگ که دچار لکنت زبان است. او با عناصر طبیعت و جانوران رابطه‌ای ذهنی و روانی دارد و دائم در خواب و رویا ببری را می‌بیند که نزد او می‌آید و حتی گاهی بو و مزه دهان و گرمای بدن او را احساس می‌کند. او به سبب متفاوت بودن مورد تمسخر همه قرار می‌گیرد. او هیچ دوستی ندارد. با آمدن یک سیرک به شهر، او با دختری هم‌سن خودش به نام کورنیا آشنا و دوست می‌شود و از او بندبازی یاد می‌گیرد. کورنیا مانند جو با طبیعت همدم است و صدای پرندگان و حیوانات را می‌شنود و در ذهن مجسم می‌کند. اعضا سیرک جو را می‌پذیرند و روح ببر را در بدن او می‌بینند.





شایسته تقدیر

واتر، وینس. **روزنامه فروش**. مترجم پروین علی‌پور. تهران: نشر چشمه، ۱۳۹۴. سروه سنی ۱۰

– ۱۴ سال

کلیدواژه: پسران / تفاوت‌های جسمی / لکنت زبان / مام‌پرستار / سیاه پوست / روزنامه فروش / اعتماد به نفس

زندگی پسر یازده ساله‌ای که با وجود توانایی نوشتن و گستره‌ی واژگان زیاد، به دلیل لکنت زبانش در ارتباطات روزمره مشکل دارد. تا اینکه رت دوست و ویکتور برای دیدن پدر بزرگ و مادر بزرگش به مزرعه می‌رود و کار روزنامه فروشیش را به ویکتور می‌سپارد. ویکتور در نقش روزنامه فروش با افراد جدیدی آشنا می‌شود و تجربه بسیاری کسب می‌کند که زندگی اش را دگرگون می‌کند. در این داستان مخاطب همراه با ویکتور به این تجربه می‌رسد که ناتوانی نمی‌تواند دلیلی برای منزوی شدن و فرار از ارتباط‌گیری با دیگران شود.



نامزد برگزیده

رجبی، مهدی. **بردیا و گولاخ‌ها**. تهران: انتشارات افق، ۱۳۹۷. سه جلد به ترتیب ص ۱۶۰، ۱۸۹

، ۱۹۲. گروه سنی ۱۰ – ۱۳ سال

کلیدواژه: تفاوت‌های جسمی / لکنت زبان / همستر / پدر بزرگ / کتاب / کتابخانه / جادوگر / همسایه / هیولای کلمه‌خوار / اعتماد به نفس

بردیا پسر یازده ساله است که با مادر و پدرش زندگی می‌کند. او لکنت زبان دارد. او ارتباط خوبی با پدر بزرگش که رئیس کتابخانه عمومی است دارد. همستر بردیا گم می‌شود و او مطمئن است پسرزن همسایه یک جادوگر است و همه چیز زیر سر اوست. بردیا شنل تشکی‌اش را می‌پوشد و سوار بر آسانسور هزار طبقه می‌رود زیرزمین تا به سرزمین گولاخ‌ها برسد. گولاخ‌ها آدم‌خوارند و خودشان هم طلسم شده‌اند. بردیا در دنیای واقعی لکنت دارد و همیشه از مواجهه با دیگران فرار می‌کند اما در سرزمین گولاخ‌ها او شاهزاده شنل تشکی است که مبارزه علیه تاریکی را پیش می‌برد. بردیا در این سفر ماجراجویانه

